

تأثیر آموزش حل مسئله خانواده‌محور بر ارتباط والد- کودک دانش آموزان دوره ابتدایی

کیوان کاکابرایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آموزش حل مسئله خانواده‌محور به والدین و تعیین اثربخشی آن بر ارتباط والد- کودک دانش آموزان انجام شد. طرح پژوهش تجربی حقیقی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون - پیگیری با گروه گواه بود. تعداد ۱۲۰ دانش‌آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و با انتساب تصادفی به دو گروه آزمایشی (۶۰ نفر) و گواه (۶۰ نفر) تقسیم شدند، ابتدا والدین گروه آزمایشی ۱۰ جلسه در کارگاه تربیت کودک / نوجوان اندیشمند شرکت کردند سپس گروه آزمایشی به مدت سه ماه تحت برنامه حل مسئله خانواده‌محور مورد آموزش قرار گرفتند، برای جمع‌آوری اطلاعات از سیاهه رابطه والد - کودک جرارد (۱۹۹۴) فرم والدین استفاده شد. یافته‌ها طبق گزارش والدین در سه مرحله پیش‌آزمون - پس‌آزمون (فاصله سه‌ماهه) و پیگیری (فاصله یک‌ماهه) نشان داد، در گروه آزمایشی، بین نمرات پیش‌آزمون - پس‌آزمون در زیرمقیاس‌های ارتباط والد - کودک تفاوت معناداری وجود داشت اما بین نمرات پس‌آزمون - پیگیری در زیرمقیاس‌های ارتباط والد - کودک تفاوت معنادار نبود. بر این اساس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آموزش حل مسئله خانواده‌محور به والدین بر ارتباط والد - کودک دانش‌آموزان اثربخش بود و ارتباط والد - کودک را بهبود بخشیده است.

واژگان کلیدی: حل مسئله خانواده‌محور، ارتباط والد - کودک، دانش‌آموزان دوره ابتدایی

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه kakabraee@gmail.com

مقدمه

خانواده بستری است که آدمی زندگی‌اش در آن آغاز می‌شود و در آن شکل می‌گیرد. به بیان دیگر رشد مطلوب و سالم فرزندان در تمام ابعاد روانی-اجتماعی مرهون ارتباط مؤثر با والدین است، بر این اساس الگوی ارتباطی‌ای که کودکان و نوجوانان در خانواده یاد می‌گیرند، بدون تردید در ارتباطات آینده آن‌ها تأثیر بسیار فراوانی دارد (کارسانو، مجورانو و چامپریتاوی^۱، ۲۰۰۶؛ کلاست^۲، ۲۰۰۷؛ میلر^۳، ۲۰۱۱). روابط درون خانواده علاوه بر اهمیتی که در تحول روانی-اجتماعی کودکان دارد، در پیشگیری از مشکلات رفتاری کودکان نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند (تاسیک، بودجانواک و مجوسیک^۴، ۱۹۹۷؛ نقل از شکوهی یکتا، پرند، شهبان و متولی پور، ۱۳۸۷؛ اسمیت و روت^۵، ۲۰۱۵). بنابراین به‌طور ویژه، در پاره‌ای از پژوهش‌ها، به‌منظور تبیین و تفسیر الگوی متمایز تجارب بهزیستی در میان کودکان، بر بررسی نقش عوامل ارتقاءدهنده روابط بین فردی و اجتماعی تأکید کرده‌اند (نوم، دکوویک و میوس^۶، ۱۹۹۹؛ کارسانو و همکاران، ۲۰۰۶؛ یه، تسای، هسو و لین^۷، ۲۰۱۴). در این راهگذار، مطالعات نظام‌مند حوزه روانشناختی خانواده، با تأکید بر نقش عوامل بین فردی یا تسهیل‌کننده بروز رفتار اجتماعی کارآمد کودکان مانند الگوی حل مسئله^۸ (هندری و رید^۹، ۲۰۰۰؛ دریر، الیوت، فلچر و سوتسون^{۱۰}، ۲۰۰۵؛ بلنچر-فیلد^{۱۱}، ۲۰۰۷؛ ویلی و جاروز^{۱۲}، ۲۰۱۲؛ بایزیت^{۱۳}، ۲۰۱۳؛ یه و همکاران، ۲۰۱۴؛ بک، ویلیامز،

-
۱. Corsano, Majorano & Champretavy
 ۲. Celest
 ۳. Miller
 ۴. Tasic, Budjanovac & Mejovsek
 ۵. Smetana & Rote
 ۶. Noom, Dekovic & Meeus
 ۷. Yeh, Tsai, Hsu & Lin
 ۸. problem solving
 ۹. Hendery & Reid
 ۱۰. Dreer, Elliott, Fletcher & Swanson
 ۱۱. Blanchard-Fields
 ۱۲. Wiley & Jarosz
 ۱۳. Bayazit

کتننگ، اپیرلی و چاپل^۱، ۲۰۱۶) را به مثابه یکی از بسترهای مهم مطالعات بالینی و تحولی، یک اولویت مهم پژوهشی قلمداد می‌کنند. چنانکه اشاره شد روابط سالم و کارآمد والد-کودک در خانواده در سال‌های کودکی پیش‌بینی‌کننده مهمی برای بررسی وضعیت روانی، نحوه برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان، رشد شناختی و موفقیت‌های تحصیلی کودکان در سال‌های آتی تلقی می‌شود؛ در همین راستا والدین در ایجاد کارکرد سالم رابطه به‌ویژه در سال‌های کودکی که فرزندان در حال الگوبرداری و همسان‌سازی با آن‌ها هستند، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای دارند. علاوه بر این بسیاری از پژوهشگران حوزه روانشناسی تحولی بر این نکته تأکید کرده‌اند که مهم‌ترین روابط و مناسبات فرد در طول گستره زندگی، چگونگی روابط والد - کودک است (مک کوبی^۲، ۱۹۹۲؛ ویتلی^۳، ۲۰۰۷؛ ویمز و پلهام^۴، ۲۰۱۰؛ میلر، ۲۰۱۱؛ بونانو، وستفال و مانسینی^۵، ۲۰۱۱؛ برور و اسپارکر^۶، ۲۰۱۲). بنابراین می‌توان گفت ارتباط پایدار و کارآمد والد-کودک برای تحول روانی - اجتماعی بهنجار کودکان و نوجوانان در تمام سال‌های بعدی زندگی حیاتی به نظر می‌رسد، زیرا کارکرد کارآمد و مناسب دل‌بستگی^۷ والد-کودک منبع مهمی برای مقابله با تیدگی و استفاده از شیوه حل مسئله و انعطاف‌پذیری را در اختیار فرد قرار می‌دهد (کارسانو و همکاران، ۲۰۰۶) و از سوی دیگر روابط ناکارآمد والد و کودک منبع مهمی برای بروز اضطراب، افسردگی، خشم و روابط مختل است (یه و همکاران، ۲۰۱۴).

مرور شواهد تجربی مختلف نشان می‌دهد در قلمرو مطالعاتی عوامل تبیین‌کننده ارتقای تعامل والد - کودک از مهمترین مفاهیم مورد علاقه پژوهشگران حوزه روان‌شناسی خانواده قلمداد می‌شود و جنبه‌های مختلف آن همواره مورد تأکید بوده است (کسیدی و تیلور^۸، ۲۰۰۵؛ کسیدی، ۲۰۰۹؛ دریر و همکاران، ۲۰۰۵؛ ویلی و جاروز، ۲۰۱۲؛ شور و

۱۴. Beck, Williams, Cutting, Apperly & Chappell

۲. Maccoby

۱. Whitley

۴. Wymbs & Pelham

۵. Bonann, Westphal & Mancini

۶. Brewer & Sparkes

۷. Attachment

۸. Cassidy & Taylor

هیلی^۱، ۱۹۹۳؛ دزوریلا و نزو^۲، ۲۰۰۷؛ کسیدی، ۲۰۰۹؛ بایزیت، ۲۰۱۳؛ شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۷؛ شکوهی یکتا و شهاییان و پرند، ۱۳۹۱؛ حاتمی فرد، کافی و خوش‌روش، ۱۳۹۰). در همین راستا می‌توان به فضای خانواده اشاره کرد؛ فضای خانواده می‌تواند مهرورزانه، پذیرنده، مسئولانه و درک‌کننده یا طردکننده باشد. فضای خانواده بهترین پیش‌بینی‌کننده رفتارهای غیرانطباقی و بزهکارانه افراد در سنین نوجوانی است (برور و اسپارکر، ۲۰۱۲؛ ریلی^۳، ۲۰۱۱). نحوه ارتباط والدین با کودکان و روش والدین در حل تعارض‌ها آنها یکی دیگر از جنبه‌های تعاملی است (ریش، جکسون و چانچونگ^۴، ۲۰۰۳) که می‌توان به آن تأکید کرد چگونگی ارتباط والد-کودک می‌تواند تشویق‌کننده یا تنبیه‌کننده باشد؛ والدین می‌توانند با اعتماد و ایجاد حس پذیرش نسبت به کودک به بالا رفتن اعتمادبه‌نفس و احساس کفایت در او کمک کنند، یا به‌عکس با تنبیه و توبیخ زمینه را برای رشد احساس ناکارآمدی و بی‌کفایتی اجتماعی او فراهم آورند (بایزیت، ۲۰۱۳). نحوه استفاده از کلمات و زبان بدنی در برقراری روابط بین والدین با فرزندان نیز بسیار پراهمیت است زیرا بسیاری از مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان با رفتار کلامی خشن و تردکننده والدین ارتباط مثبتی دارد (کوت^۵، ۲۰۱۱). در همین راستا، پژوهشگران گزارش کرده‌اند که شیوه گفتمان، نصیحت کردن والدین^۶ پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای نحوه رقابت اجتماعی کودکان و تعامل آن‌ها با همسالان است هم‌چنین در پیگیری‌های یک‌ساله مشاهده شد که شیوه نصیحت کردن والدین با عملکرد اجتماعی کودکان، هم‌چنین احساس تنهایی و افسردگی آنان ارتباط مستقیمی دارد (مک‌داول^۷، ۲۰۰۳؛ شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۹۱). کلمن^۸ (۲۰۰۲) نیز در پژوهشی نشان داده است که مادران کودکان که در ارتباط با فرزندان خود از دستور دادن بیشتر استفاده کرده‌اند کودکان‌شان به‌راحتی ناامید می‌شوند و

-
۱. Shure & Healey
 ۲. D'zurilla & Nezu
 ۳. Riley
 ۴. Riesch, Jackson & Chanchong
 ۵. Cote
 ۶. Parental Advise Giving Style
 ۷. Mcdowell
 ۸. Colman

از تلاش دست برمی‌دارند و قبل از تلاش برای یافتن راه‌حل مشکل به دنبال کمک می‌گردند.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان بیان نمود، سبک تربیتی والدین از مهم‌ترین مفاهیمی است که بیانگر نحوه تعامل والدین با فرزندان است، حال اگر هر موقعیت تعامل با کودک و نوجوان را به یک مسئله تعبیر کنیم، باید سبک تربیتی را نوعی مهارت حل مسئله والدین در موقعیت‌های مربوطه با فرزندان قلمداد کرد. از سوی دیگر کودکان و نوجوانان نیز در برخورد با موقعیت‌های مختلف برای اتخاذ تصمیم و نشان دادن رفتارهای مناسب نیازمند مهارت‌های مقابله‌ای می‌باشند، مهارت‌های مقابله‌ای حل مسئله محور، مهارت‌های بسیار مهمی هستند که افراد در طول زندگی در موقعیت‌های متفاوت می‌توانند از آن‌ها استفاده نمایند. به بیان دیگر هر فردی در موقعیت‌های متعدد با مسائلی مواجه می‌شود که راه‌حل همه‌ی آن‌ها را نمی‌داند اما راهبردهای حل مسئله می‌توانند به او کمک کنند تا در موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده به صورت کارآمدتر عمل کند (شکوهِی یکتا و همکاران، ۱۳۹۱؛ ماهونی، بویس، فول، اسپیکر و ویدن^۱، ۱۹۹۸) با توجه به اهمیت و ضرورت فرزندپروری و نقش آن در ارتقای روابط بین فردی خانواده‌ها به ویژه تعامل والد- کودک و در نتیجه جامعه، ارائه برنامه‌های مدون آموزش خانواده مبتنی بر حل مسئله جهت ترمیم و افزایش کارآمدی فرایند اشاره شده امری ضروری به نظر می‌رسد، این مسئله مهم از مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر است زیرا امروزه آموزش روش حل مسئله به عنوان عاملی مهم در ارتقای تعامل والد - کودک تلقی می‌گردد (مک موران و مک گیور^۲، ۲۰۰۵؛ بایزیت، ۲۰۱۳؛ بک و همکاران، ۲۰۱۶). روش حل مسئله شامل مهارت‌های سطح بالای تفکر^۳ مانند تجسم ذهنی^۴، انتزاع^۵، درک و فهم^۶، درستکاری^۷، استدلال^۸ و تجزیه و تحلیل^۱

۱. Mahoney, Boyce, Fewell, Spiker & Wheeden

۲. McMurrin & McGuire

۳. Higher Order Thinking Skills

۴. Visualization

۵. Abstraction

۶. Comprehension

۷. Manipulation

۸. Reasoning

است که باید به خوبی مدیریت و به صورت برنامه‌های آموزشی ارائه شوند (بک و همکاران، ۲۰۱۶). به طور کلی آموزش حل مسئله اهداف ذیل را دنبال می‌کند: (۱) آموزش چگونه اندیشیدن نه به چه اندیشیدن که به کودکان و والدین کمک می‌کند تا بتوانند در مواجهه با مسائل درون فردی و میان فردی به راه‌حل‌های مختلف بیندیشند و بهترین راه‌حل را اتخاذ نمایند، (۲) پیشگیری از بروز و شدت یافتن مشکلات هیجانی و رفتاری نظیر گوشه‌گیری، افسردگی و پرخاشگری، (۳) به کارگیری روش حل مسئله از سوی والدین و کودکان (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۷). بر این اساس در فرایند آموزش روش حل مسئله گام اول تشخیص مسئله است، سپس مسئله با کمک اطلاعات موجود تعریف می‌شود و طی فرآیندی با کمک روش‌هایی مانند بارش مغزی، استفاده از روش‌های جایگزین و توجه به دیدگاه‌های مختلف، فرد به بهترین راه‌حل دست پیدا می‌کند (کرکلی^۱، ۲۰۰۳؛ بک و همکاران، ۲۰۱۶). در همین راستا و همسو با هدف پژوهش حاضر برخی از مطالعات نشان داده‌اند که با آموزش مهارت‌های حل مسئله خانواده محور، تعامل کودکان با والدینشان بهبود یافته و برقراری ارتباط مناسب با همسالان و افزایش پذیرش اجتماعی و بالا رفتن نگرش مثبت به خود را در آنها موجب شده است (گرین، آبلون، گرونک، بلکلی، مارکی، مونوتیاکس، هنین، ادوارد و رابیت^۲، ۲۰۰۴؛ رید و وبستر-استراتون^۳، ۲۰۰۱؛ جانسون^۴، ۲۰۰۱؛ مک کاریک - دیکس^۵، ۲۰۰۰؛ بک و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این مطالعات دیگر نشان داده‌اند آموزش روش حل مسئله به‌طور مستقیم یا از طریق والدین و معلمان در کاهش رفتارهای نامناسب کودکان و بهبود رفتارهای اجتماعی آنها مؤثر است (لاگسدون^۶، ۲۰۰۴؛ بیلمن^۷، ۲۰۰۴؛ اسکات^۸، ۲۰۰۵؛ مورالس لویزا^۹، ۲۰۱۱؛ ارزکن^{۱۰}،

۱. Analysis

۲. Kirkley

۳. Greene, Ablon, Grong, Blakely, Markey, Monuteaux, Henin, Edward & Rabbitt

۴. Reid & Webster-Stratton

۵. Johnson

۶. Mccarrick-Dix

۷. Logsdon

۸. Beelmann

۹. Scott

(۲۰۱۴). به طور کلی پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده‌اند که آموزش مهارت حل مسئله به والدین و کودکان‌شان موجب شده رفتارهای ضداجتماعی، مشکلات رفتاری کودکان کاهش‌یافته و در وضعیت سلامت روانی آنها افزایش چشمگیری مشاهده شده است (کازدین و سیگل و باس^۳، ۱۹۹۲؛ مک‌داول، ۲۰۰۳؛ بونانو و همکاران، ۲۰۱۱؛ شکوهی یکتا و زمانی، ۱۳۹۱). از سوی دیگر شواهد تجربی نشان می‌دهد خانواده‌هایی که نوجوان بزهکار یا معتاد دارند، در کاربست شیوه حل مسئله توانایی کمتری داشته و بیشتر از تهدید، تنبیه و توبیخ و کنترل شدید و اعمال قدرت استفاده کرده‌اند (تاسیک و همکاران، ۱۹۹۷؛ نقل از شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۷) اما مطالعات دیگری نیز نشان داده‌اند هنگامی که والدین کودکان با مشکلات شدید عاطفی در زمینه مهارت‌های حل مسئله و انطباقی آموزش دیده‌اند، وضعیت اجتماعی، رفتاری و روانی کودکان تغییرات مثبتی پیدا کرده است (روفولو، کوهن و ایوانز^۴، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه اغلب دانش‌آموزان آموزش مشخصی در زمینه حل مسئله در خانواده دریافت نمی‌کنند (آگران، بلانچارد، وهمایر و هوگس^۵، ۲۰۰۲؛ گلاگو، ماستروپیری و اسراگس^۶، ۲۰۰۹؛ یه و همکاران، ۲۰۱۴)، لازم است که والدین به اهمیت این مهارت‌ها آگاه شده و به گونه‌ای آموزش دریافت شده را در جهت نیازهای دانش‌آموزان هدایت کنند (فیدلر و دانکر^۷، ۲۰۰۷؛ وهمایر، گراگوداس و شوگرن^۸، ۲۰۰۶؛ ارزکن، ۲۰۱۴). به بیان دیگر با آموزش و یادگیری حل مسئله از طریق والدین، دانش‌آموزان برای مواجهه و مقابله با موقعیت‌های دشوار اجتماعی در مدرسه و جامعه مجهز و آماده می‌شوند (مورالس لویز، ۲۰۱۱؛ ویلی و جاروز، ۲۰۱۲؛ فسکو و فینبرگ^۹، ۲۰۱۵). امروزه در بسیاری از کشورها آموزش مهارت‌های حل مسئله از خانواده

-
۱. Morales López
 ۲. Erzkan
 ۳. Kazdin, Siegel & Bass
 ۴. Ruffolo, Kuhn & Evans
 ۵. Hughes
 ۶. Glago, Mastropieri & Scruggs
 ۷. Fiedler & Danneker
 ۸. Wehmeyer, Gragoudas & Shogren
 ۹. Fosco & Feinberg

شروع می‌شود؛ زیرا آموزش روش حل مسئله به والدین باعث بهبود کارکرد دانش‌آموزان در سطوح اجتماعی، رفتاری و شناختی شده است (سی یو و شک، ۲۰۰۵؛ گلاگو و همکاران، ۲۰۰۹؛ فرزند، ۲۰۱۱)؛ با توجه به آنچه ذکر شد، اهمیت موضوع و لزوم انجام پژوهش در مورد اثربخشی آموزش حل مسئله بر ارتقای کیفیت ارتباط کودک و والدین‌شان روشن می‌گردد. با وجود پژوهش‌هایی که در زمینه شناخت عوامل تهدیدکننده تعامل ناکارآمد اعضای خانواده انجام گرفته است، تاکنون پژوهش‌های محدودی در مورد تأثیر آموزش حل مسئله خانواده‌محور بر روابط والد-کودک به‌ویژه در دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام گرفته است. بنابراین همسو با هدف پژوهش حاضر ضروری است علاوه بر آموزش مستقیم توجه به آموزش غیرمستقیم حل مسئله‌محور از طریق والدین یا معلمان به دانش‌آموزان را از پایه‌های ابتدایی آغاز کنیم، چراکه حل مسئله میان فردی یک راهبرد پیشگیری-بهبودی است و کفایت‌های بهداشت روان‌شناختی در دوره کودکی آسان‌تر قابل تغییر است. از این رو، با توجه به شواهد تجربی اشاره شده می‌توان اظهار نمود که آموزش حل مسئله به والدین و کاربست آن در تعامل با فرزندان‌شان می‌تواند باعث بهبود تعامل والد-کودک و سبک مسئله‌گشایی آن‌ها گردد. در همین راستا مطالعه حاضر به‌منظور آموزش حل مسئله خانواده‌محور به والدین و بررسی تأثیر آن بر ارتباط والد-کودک دانش‌آموزان دوره ابتدایی و همچنین بررسی میزان ماندگاری آن به سرانجام رسیده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا، تجربی حقیقی از نوع طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون - پیگیری با گروه کنترل است.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های چهارم، پنجم و ششم مدارس ابتدایی دولتی عادی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی

۱. Siu & Shek

۱۴. Friend

۹۵ - ۹۴ است. گروه نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی مشتمل بر ۱۲۰ دانش‌آموز که در سه پایه، چهارم، پنجم و ششم در مدارس ناحیه یک دخترانه (آناهیتا قباغان، سیمین‌دخت رای) و پسرانه (شاهد شیرزادی، منوچهر شریفی) مشغول به تحصیل بودند انتخاب شدند. در این پژوهش نمونه ۱۲۰ نفری با تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت شامل ۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر پایه چهارم، ۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر پایه پنجم و ۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر پایه ششم بود که با انتساب تصادفی به دو گروه آزمایشی و گواه تقسیم شدند. برای انتخاب گروه‌های نمونه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و والدین، ابتدا با هماهنگی سازمان آموزش و پرورش شهر کرمانشاه و در پی فراخوان مسئولان یادشده در زمینه معرفی کارگاه‌های حل مسئله خانواده‌محور برای والدین انجام شد. سپس مسئولان کارگاه‌ها در طی یک جلسه آموزشی، برنامه کارگاه‌ها را به گروه والدین معرفی کرده و از آنان درخواست به عمل آمد تا در صورت تمایل به شرکت در کارگاه مذکور، ثبت‌نام مقدماتی انجام دهند. سپس دانش‌آموزانی که حداقل یکی از والدین آن‌ها ثبت‌نام مقدماتی نموده‌اند و والدین آن‌ها موافق شرکت در کارگاه مذکور بودند، به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده، انتخاب و ثبت‌نام نهایی به عمل آمد. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: (۱) سن ۱۰ تا ۱۲ سال و قرار داشتن در پایه تحصیلی چهارم تا ششم دبستان (افراد مذکور نمی‌بایست هرگز در گذشته مردود شده باشند)، (۲) تعهد و همکاری لازم والدین. ملاک‌های خروج شامل: (۱) داشتن نوعی بیماری پزشکی که فرد را وادار به جستجوی فوری درمان سازد، (۲) عدم تمایل و رضایت والدین در شرکت فعال در کارگاه، بود.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش سیاهه رابطه والد- کودک (PCRI) بود. سیاهه رابطه والد- کودک به وسیله جرارد (۱۹۹۴) ساخته شده و شامل ۷۸ آیت، ۷ زیرمقیاس اصلی و یک زیرمقیاس روایی^۱ است. شیوه پاسخ‌دهی سیاهه در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (هرگز=۱ تا همیشه=۵) است. این سیاهه رابطه میان والدین و فرزندان را ارزیابی می‌کند و به وسیله والدین تکمیل می‌شود. حمایت والدینی^۲، رضایت از فرزند پروری، مشارکت^۱ در

۱. Validity

۲. Parental Support

فرزند پروری، ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت^۲، خودمختاری^۳ و جهت‌گیری نقش^۴ از مقیاس‌های اصلی و مقبولیت اجتماعی^۵ مقیاس روایی است. ضریب همسانی درونی برای این ابزار ۰/۸۲ و ضریب بازآزمایی ۰/۸۱ گزارش شده است (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۹۱). در این پژوهش با توجه به اهداف آن، فرم کوتاه این سیاهه که شامل ۳۱ گویه است و زیرمقیاس‌ها ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و رضایت از فرزندپروری را شامل می‌شود و توسط والدین پاسخ داده می‌شود استفاده شده است (نقل از شکوهی یکتا و زمانی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرانباخ طبق گزارش والدین برای زیر مقیاس‌های ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و رضایت از فرزند پروری به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۷۹ و در کل ۰/۸۹ به دست آمد.

با توجه به طرح تحقیق، داده‌ها در سه مرحله (قبل آموزش و بعد آموزش به مدت سه ماه سپس مرحله پیگیری با در نظر گرفتن مدت مقرر یک‌ماهه) گردآوری شده است. بدین منظور ابزارهای پژوهش قبل از شروع آموزش در بین گروه‌های والدین دانش‌آموزان (آزمایشی و گواه)، اجرا شد؛ پس از اتمام آموزش به والدین، سه ماه بعد پرسش‌نامه‌های مذکور مجدداً اجرا و داده‌ها جمع‌آوری گردید، در نهایت بعد از یک ماه جهت بررسی ماندگاری برنامه حل مسئله خانواده‌محور، مرحله پیگیری انجام شد. در این پژوهش از برنامه "کارگاه تربیت کودک / نوجوان اندیشمند"^۶ که توسط شور (۱۹۷۹، ۲۰۰۱، ۲۰۰۰) طراحی گردیده است، استفاده شد. برنامه آموزش حل مسئله خانواده محور به مدت ۱۰ جلسه دو ساعته به والدین گروه آزمایشی آموزش داده شد، سپس به منظور اثربخشی برنامه تربیت کودک / نوجوان اندیشمند به مدت ۳ ماه این برنامه بر روی دانش‌آموزان در خانه توسط والدین آموزش دیده با نظارت هفتگی مجریان طرح اجرا گردید در نهایت یک ماه پس از پس‌آزمون مرحله پیگیری نیز اجرا گردید. کارگاه تربیت کودک / نوجوان اندیشمند

۱. Involvement
۲. Limit Setting
۳. Autonomy
۴. Role Orientation
۵. Social Desirability
۶. Raising a Thinking Child /pre teen

برای والدین کودکان ده تا دوازده سال طراحی شده است. هدف این کارگاه‌ها افزایش مهارت‌های کودک در برخورد مؤثر با مسائل مختلف در خانه و محیط بیرون خانه است. توجه اصلی کارگاه بر آموزش والدین در استفاده از شیوه کارآمد تعاملی با کودک و نوجوان در حل مسائلی است که در ارتباط با والدین و همسالان برای کودک و نوجوان پیش خواهد آمد. در قالب کتاب تمرین^۱ این کارگاه، طرح درس‌هایی ارائه شده است که در آن والدین با توجه به آموزش‌هایی که در کارگاه می‌بینند، مسئول‌اند تا کودکان و نوجوانان را به سوی حل مسئله هدایت کنند. لازم به ذکر است، در ایران نیز پژوهش‌های متعددی در مقاطع مختلف برنامه‌های آموزش حل مسئله مدار بر روی نمونه‌های متفاوت اجرا نموده‌اند. در همین راستا شکوهی یکتا و همکاران در پژوهش‌های (۱۳۸۷، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲) اعتبار و روایی این برنامه آموزشی را تأیید کرده‌اند. در ادامه خلاصه محتوا و هدف هر جلسه اشاره می‌شود:

ردیف	هدف	محتوا	تکالیف
جلسه اول	آشنایی با دوره کودکی و اهمیت آن	تشریح اهداف کارگاه و بررسی اهمیت آن با تأکید بر چهار شیوه تربیتی والدین	پخش کلیپ میوه درخت گردو و ارائه و توضیح برگه تمرین
جلسه دوم	آشنایی با مهارت‌های حل مسئله و روش‌های تربیتی والدین	درک احساسات دیگران، درک انگیزه دیگران، یافتن راه حل‌های جایگزین، در نظر گرفتن عواقب و نتایج کار و برنامه‌ریزی متوالی	پخش کلیپ غم فردای موهوم
جلسه سوم	پرداختن به مقوله احساسات	تشریح اهمیت شناخت و بیان احساس‌ها در زندگی واقعی در تعامل با فرزندان	پخش کلیپ رسائل و ارائه جدول موقعیت‌های احساسی
جلسه چهارم	پرداختن به موضوع گوش کردن فعال	بررسی گوش دادن به عنوان یکی از اجزای حل مسئله و چگونگی کاربست آن در تعامل با فرزندان	پخش کلیپ کیمیای دوست، ارائه برگه‌های تمرین خوب گوش کردن
جلسه پنجم	پرداختن به میحث درک انگیزه‌ها	در نظر گرفتن دلایل متعدد بروز یک رفتار با هدف متمایز کردن رفتارهای خصمانه یا عمدی از رفتارهای تصادفی یا غیرعمدی	پخش کلیپ بهترین شما، دادن جزوه جلسه پنجم و ارائه برگه تمرین درک انگیزه‌ها
جلسه ششم	پرداختن به مقوله	چگونگی پیدا کردن راه حل‌های جایگزین	پخش کلیپ نامه ۳۲

ششم	راه حل‌ها	بدون ارزش‌گذاری آنها از طریق تشویق فرزندان به تفکر درباره موقعیت‌های ساختگی و بیان برخی از نمونه‌ها (نقاشی یا داستان‌های نصفه)
جلسه هفتم	پرداختن به مبحث نتایج و عواقب	تشریح گفت و گو از طریق حل مسئله در موقعیت‌های ساختگی و زندگی واقعی
جلسه هشتم	پرداختن به مهار برنامه‌ریزی متوالی	چگونگی طرح گام‌ها به سوی هدف، پیش‌بینی موانع احتمالی، زمان‌بندی فعالیت‌ها، چقدر طول خواهد کشید؟ و یکپارچه‌سازی گام‌های مختلف
جلسه نهم	پرداختن به ترکیب مهارت‌های حل مسئله و مروری بر سؤال‌های والدین	تمرین‌های ترکیبی با تشکیل گروه‌های سه نفر و ارائه داستان های ناقص و تکمیل آن توسط شرکت کنندگان
جلسه دهم	مروری مطالب فرا گرفته شده و ارزیابی	به گروه‌های سه نفره برگه‌های ارزیابی حل مسئله داده شد سپس از شرکت کنندگان خواسته شد تا روش استفاده شده در آن عبارت را مشخص نمایند

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، نمرات محاسبه‌شده شاخص‌های توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد زیرمقیاس‌های ارتباط والد-کودک دانش‌آموزان در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری به تفکیک، طبق گزارش والدین ارائه می‌شود.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد زیرمقیاس‌های ارتباط والد-کودک طبق گزارش والدین

متغیر	آماره‌ها	مرحله	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری
			انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	
رضایت از فرزندپروری	آزمایش گواه	آزمایش	۲۷/۷۵	۳/۴۷	۲۹/۲۸	۲/۵۸	۲۸/۰۸
		گواه	۲۷/۸۱	۲/۱۹	۲۷/۴۱	۲/۲۲	۲۷/۱۷
ارتباط با فرزند	آزمایش گواه	آزمایش	۳۸/۲۵	۶/۶۷	۴۰/۹۲	۶/۰۳	۳۹/۱۸
		گواه	۳۳/۰۲	۴/۳۹	۳۲/۴۰	۳/۹۸	۳/۶۱

۶/۴۵	۲۸/۱۸	۷/۱۴	۲۹/۳۹	۷/۰۷	۲۷/۵۰	آزمایش	ایجاد محدودیت
۵/۲۵	۳۰/۱	۴/۹۵	۲۹/۵۹	۵/۷۵	۳۰/۸۷	گواه	
۸/۱۹	۹۵/۲۷	۷/۱۱	۹۶/۰۳	۹/۴۵	۹۴/۱۷	آزمایش	ارتباط والد کودک
۷/۱۰	۹۱/۹۰	۶/۴۳	۹۱/۴۷	۵/۷۳	۹۰/۱۲	گواه	

جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد زیرمقیاس‌های ارتباط والد - کودک در پیش-آزمون، پس‌آزمون و مرحله پیگیری در گروه‌های آزمایش و گواه طبق گزارش والدین را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشهود است داده‌ها در تمامی زیرمقیاس‌های ارتباط والد-کودک در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه طبق گزارش والدین در مراحل پس‌آزمون و پیگیری افزایش چشمگیری نشان داده است.

مفروضه مهم دیگر تحلیل کوواریانس چند متغیری، همگونی ضرایب رگرسیون است. لازم به ذکر است که آزمون همگونی ضرایب رگرسیون از طریق تعامل پیش‌آزمون زیرمقیاس‌های رضایت از فرزند پروری، ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و ارتباط والد کودک و متغیر مستقل (روش درمان) در مرحله پس‌آزمون مورد بررسی قرار گرفت. تعامل این پیش‌آزمون‌ها با متغیر مستقل معنادار نبوده و حاکی از همگونی ضرایب رگرسیون بود. یکی دیگر از مفروضه‌های مهم تحلیل کوواریانس چند متغیری، بررسی همگونی واریانس دو گروه در مرحله پس‌آزمون است که از آزمون همگونی واریانس‌های لون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج آزمون لون برای بررسی برابری واریانس‌ها در زیرمقیاس‌های ارتباط والد-کودک

متغیر	F	df _۱	df _۲	سطح معنی‌داری
رضایت از فرزند پروری	۱/۲۲	۱	۱۱۸	۰/۲۷۰
ارتباط با فرزند	۰/۹۰۴	۱	۱۱۸	۰/۳۴۴
ایجاد محدودیت	۳/۰۲	۱	۱۱۸	۰/۰۸۵
ارتباط والد کودک	۳/۲۴	۱	۱۱۸	۰/۰۷۴

نتایج جدول ۲، نشان داد که آزمون لون محاسبه‌شده در مورد هیچ‌یک از متغیرهای مورد بررسی از لحاظ آماری معنی‌دار نبود؛ از رضایت از فرزند پروری؛ $P=۰/۲۷۰ > ۰/۰۵$ و

{F(۱ و ۱۱۸)=۱/۲۲}، {ارتباط با فرزند؛ P= ۰/۳۴ > ۰/۰۵ و {F(۱ و ۱۱۸)=۰/۹۰۴}، {ارتباط محدودیت؛ P= ۰/۰۸ > ۰/۰۵ و {F(۱ و ۱۱۸)=۳/۰۲}، {ارتباط والد - کودک؛ P= ۰/۰۷۴ > ۰/۰۵ و {F(۱ و ۱۱۸)=۳/۲۴} بنابراین مفروضه همگونی واریانس ها نیز تأیید شد. به منظور بررسی پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در جامعه از آزمون کولوموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. نتایج آزمون کولوموگروف - اسمیرنوف جهت پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در جامعه، برای متغیرهای تحقیق در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. آزمون کولوموگروف اسمیرنوف در مورد پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات زیرمقیاس های ارتباط والد - کودک

متغیر	Z کولوموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
رضایت از فرزندپروری	۱/۱۳	۰/۱۵۲
ارتباط با فرزند	۰/۶۶۷	۰/۷۶۵
ایجاد محدودیت	۰/۸۱۹	۰/۵۱۳
ارتباط والد کودک	۰/۵۲۶	۰/۹۴۵

همان طور که در جدول ۳، مشاهده می شود فرض صفر برای نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای تحقیق تأیید می گردد. به عبارت دیگر پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در پس آزمون برای متغیرهای تحقیق تأیید شد. برای بررسی تأثیر مداخله انجام شده بر زیر مقیاس های ارتباط والد کودک باید از تحلیل کوواریانس (مانکوا) چند متغیره استفاده کرد، پس از بررسی پیش فرض ها و برقراری آنها نتایج تحلیل در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از تحلیل مانکوا بر روی میانگین نمره های پس آزمون زیرمقیاس های ارتباط والد - کودک گروه های آزمایش و گواه، با کنترل پیش آزمون

نام آزمون	مقدار	F	فرضیه df	خطا df	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری
اثر پیلائی	۰/۳۰۶	۱۲/۲۵	۴/۰۰	۱۱۱/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۳۰۶	۱
لامبدای ویکس	۰/۶۹۴	۱۲/۲۵	۴/۰۰	۱۱۱/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۳۰۶	۱
اثر هتلینگ	۰/۴۴۲	۱۲/۲۵	۴/۰۰	۱۱۱/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۳۰۶	۱
بزرگ ترین ریشه روی	۰/۴۴۲	۱۲/۲۵	۴/۰۰	۱۱۱/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۳۰۶	۱

$P < 0/001$ ؛ بنابراین میانگین نمرات پس آزمون و پیگیری گروه آزمایش به طور معنی داری در سبک‌های حل مسئله متفاوت از گروه گواه است. به عبارتی می‌توان گفت که برنامه حل مسئله خانواده/مدرسه محور به طور معنی داری موجب افزایش ارتباط والد-کودک در مرحله‌ی پس آزمون و پیگیری در دانش آموزان گروه آزمایش شده است و دارای قابلیت اعتماد و روایی لازم است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف آموزش حل مسئله خانواده‌محور بر بهبود ارتباط والد-کودک دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شد. طبق گزارش والدین نتایج این پژوهش نشان داد، آموزش حل مسئله خانواده محور بر ارتباط والد-کودک و زیرمقیاس‌های آن شامل رضایت از فرزندپروری، ارتباط با فرزند و ایجاد محدودیت تأثیر مثبتی داشته است. به عبارت دیگر در گروه آزمایشی در مقایسه نمرات پیش آزمون-پس آزمون تمامی زیرمقیاس‌های ارتباط والد-کودک بهبود چشمگیری نشان داده است. همچنین در مقایسه نمرات مراحل پس آزمون-پیگیری در گروه آزمایشی نتایج نشان داد کلیه زیرمقیاس‌های ارتباط والد-کودک شامل رضایت از فرزند پروری، ارتباط با فرزند و ایجاد محدودیت تغییر چندانی نداشته است که این نکته بیانگر ماندگاری معنادار تغییرات حاصل از آموزش حل مسئله خانواده محور در مرحله پیگیری است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش مک داوول (۲۰۰۳)، کارسانو و همکاران (۲۰۰۶)؛ پلرین (۲۰۰۵)، ریلی (۲۰۱۱)، مورالس لویز (۲۰۱۱)، ویلی و جاروز (۲۰۱۲)، بایزیت (۲۰۱۳)، فسکو و فینبرگ (۲۰۱۵) و شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۸۷، ۱۳۹۱) همسو است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر و سایر شواهد تجربی می‌توان اظهار نمود، آموزش روش حل مسئله خانواده محور به عنوان بخش مهمی از مداخلات شناختی-رفتاری به بهبود تعامل والدین با فرزندانشان کمک شایانی می‌کند در همین راستا و همسو با نتایج پژوهش حاضر برخی از مطالعات نشان داده‌اند که با آموزش مهارت‌های حل مسئله و تغییر شناخت، تعامل کودکان با والدینشان بهبود یافته و برقراری ارتباط مناسب با همسالان و افزایش پذیرش اجتماعی و بالا رفتن نگرش مثبت به خود را

موجب شده است (اسمیت و روت، ۲۰۱۵؛ کرکلی، ۲۰۰۳؛ مک موران و مک گیور، ۲۰۰۵؛ میلر، ۲۰۱۱؛ کوت، ۲۰۱۱). علاوه بر این همسو با نتایج این پژوهش مطالعات دیگر نشان داده‌اند آموزش روش حل مسئله به‌طور غیرمستقیم از طریق والدین در کاهش رفتارهای محدودکننده اجتماعی کودکان و بهبود رفتارهای اجتماعی آن‌ها در تعامل با والدین و دیگران مؤثر است همچنین پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده‌اند که آموزش مهارت حل مسئله به والدین و کودکان موجب شده رفتارهای ضداجتماعی کودکان کاهش یافته و سلامت روانی آنان افزایش یابد، بنابراین نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که برنامه آموزش حل مسئله باعث افزایش درک متقابل والد- کودک می‌شود، این مهم را برخی دیگر از پژوهشگران تأیید کرده‌اند (مک داوول، ۲۰۰۳؛ سی یو و شک، ۲۰۰۵؛ گلاگو و همکاران، ۲۰۰۹؛ فرند، ۲۰۱۱). همسو با نتایج پژوهش حاضر شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی ارتقای تعامل والد- کودک را از طریق آموزش روش‌های نوین فرزندپروری، با استفاده از کارگاه کودک اندیشمند (شور، ۲۰۰۰) مورد پژوهش قرار دادند، نتایج نشان داد که آموزش مبتنی بر حل مسئله باعث افزایش تعامل والد- کودک و کاهش روش تنبیه و توییح در والدین شده است همچنین فرزندان پس از آموزش والدین از طریق برنامه حل مسئله ابراز رضایت بیشتری از ارتباط با والدین خود گزارش کرده‌اند. مغایر با نتایج پژوهش حاضر و در تأیید تاثیر آموزش حل مسئله به والدین تاسیک و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهشی نشان داده‌اند خانواده‌هایی که نوجوان بزهکار یا معتاد دارند، برای استفاده از شیوه‌های حل مسئله توانایی کمتری داشته و بیشتر از تهدید، تنبیه و توییح و کنترل شدید و اعمال قدرت استفاده می‌کنند (نقل از شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۹۱). از سوی دیگر هنگامی که والدین کودکان در زمینه‌ای مهارت‌های حل مسئله و انطباقی آموزش دیده‌اند، در وضعیت اجتماعی و تعامل والد- کودک تغییرات مثبتی ایجاد می‌شود (دزوریلا و نزو، ۲۰۰۷؛ کسیدی، ۲۰۰۹؛ شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۷)؛ بنابراین می‌توان بیان نمود کاربست حل مسئله از سوی والدین در تعامل با کودکانشان استراتژی مقابله‌ای مفیدی در اختیار آنها قرار می‌دهد تا کیفیت زندگی و کارکردهای مؤثر ارتباطی خود را افزایش دهند در چنین شرایطی والدین به عنوان نقش

آفرینان اصلی خانواده کارکرد والدگری مناسب و مثبتی دارند این فرایند به‌ویژه در سال‌های اولیه که فرزندان‌شان در حال الگوبرداری و همسان‌سازی با آن‌ها هستند، بسیار پراهمیت است زیرا مهم‌ترین عناصر کمک‌کننده به ایجاد فضای سالم در خانواده بهبود تعاملات متقابل والد - کودک است که نتایج پژوهش حاضر بر این امر مهم صحه گذاشته است. بر این اساس و با توجه به نتایج پژوهش حاضر و سایر شواهد تجربی می‌توان اظهار نمود، یکی از روش‌های مناسب جهت ارتقای تعامل والد - کودک کاربست مهارت‌های حل مسئله است (شور، ۲۰۰۰؛ دزوریلا و نزو، ۲۰۰۷؛ کسیدی، ۲۰۰۹؛ میلر، ۲۰۱۱؛ حاتمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۷). لازم به ذکر است این خلأ مهم پژوهشی تاکنون در جامعه هدف پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار نگرفته بود که انجام این پژوهش این گستره را تا حدودی بسط داده است در همین راستا و در تبیین و ارزیابی برنامه آموزش حل مسئله خانواده محور باهدف بهبود تعامل والد - کودک، می‌توان گفت اجرا و آموزش این برنامه به والدین مهارت‌های ارتباطی فرزندان را نیز افزایش داده و از سوی دیگر موجب شد که والدین با سبک‌های تربیتی مختلف و نقاط ضعف و قوت آن آشنا شوند این دستاورد ناشی از برنامه آموزشی حل مسئله خانواده محور با توجه به مراحل پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری تا حدودی نگرانی‌های والدین در تعامل با فرزندان‌شان را کاهش داده زیرا با مسائل و مشکلات فرزندان خویش بیش از پیش آشنا شده و روش‌های ارتباطی جدیدی را برای برقراری ارتباط با فرزندان خویش آموخته‌اند. به طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان داد برنامه حل مسئله خانواده محور باعث شد تا دانش‌آموزان از طریق والدین روش‌های مواجه‌شدن با مسائل و موقعیت‌های اجتماعی که در شرایط واقعی در خانه و مدرسه تجربه می‌کند، آگاهی پیدا کند. در چنین شرایطی کودکان و نوجوانان با روش‌های تعاملی صحیح با دیگران آشنا می‌شوند و در تعامل با دیگران به احساس دیگران و رفتاری که داشته‌اند، تأمل و تفکر را اختیار می‌کنند. همچنین کودکان و نوجوانان یاد می‌گیرند که در موقعیت‌های اجتماعی به راه‌حل‌های جایگزین بیندیشند و بیاموزند که هر مشکلی راه‌حل‌های مختلفی دارد. به عبارت دیگر با توجه به نتایج پژوهش حاضر در مراحل پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری می‌توان اظهار نمود که برنامه حل مسئله خانواده

محور موجب بهبود تعامل والد-کودک و عوامل مرتبط با آن شده است. اما آنچه این پژوهش را خاص جلوه می‌دهد توجه به عامل زمان بود به عبارت دیگر بین پیش‌آزمون - پس‌آزمون سه ماه فاصله زمانی و بین پس‌آزمون - پیگیری یک ماه فاصله زمانی مد نظر قرار گرفته بود؛ شاید اگر فاصله زمانی مناسب بین آموزش و اجرا وجود داشت اثربخشی و ماندگاری برنامه آموزشی حل مسئله قوی‌تر می‌بود، علاوه بر این مانند هر پژوهشی، یافته‌های پژوهش حاضر نیز باید در بافت محدودیت‌های آن تفسیر و تعمیم داده شود بر این اساس نخست آنکه، این مطالعه نیز مانند بسیاری از مطالعات دیگر به دلیل استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی به جای مطالعه رفتار واقعی، ممکن است مشارکت‌کنندگان را در پاسخ به سؤال‌ها به استفاده از شیوه‌های مبتنی بر کسب تأیید اجتماعی و اجتناب از بدنامی مربوط به عدم کفایت فردی ترغیب کند. به بیان دیگر، به‌منظور تأیید مقیاس‌های خودگزارش‌دهی از مشاهده رفتاری و شاخص‌های بالینی استفاده نشد. دوم، آنکه به لحاظ محدودیت‌های اجرایی، این پژوهش فقط طبق گزارش والدین ارتباط والد - کودک مورد توجه قرار گرفته است و امکان بررسی آن طبق نگاه دانش‌آموزان وجود نداشته است. به نظر می‌رسد که پژوهش‌های بیشتری در زمینه اثربخشی آموزش حل مسئله خانواده‌محور بر روی سایر مؤلفه‌های اجتماعی از جمله تعامل کودک - والد، تعامل کودک با همسالان ... می‌تواند مفید واقع شود. چنانکه اشاره شد نتایج پژوهش حاضر بر تأثیر مثبت این کارگاه‌ها صحه گذاشته و پیامدهای مثبت بر تعامل والد - کودک را تأیید کرده است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود استفاده از برنامه حل مسئله از خانواده به محیط‌های آموزشی نیز گسترش داده شود و به عنوان مداخلات مدرسه‌محور مورد بررسی قرار گیرد تا دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها همزمان تحت پوشش این برنامه کارآمد قرار گیرند. همچنین در محتوای برنامه آموزشی علاوه بر تعامل والد-کودک، تعامل کودک - والد نیز مورد توجه عمیق پژوهشگران قرار گیرد. به طور کلی با در نظر گرفتن یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که آموزش حل مسئله به والدین به ویژه مادران کارکرد فضای تعاملی در خانواده را ارتقا داده و توان حل مسئله بین فردی، کنترل رفتار و نقش والدگری را به طور معناداری تقویت نموده است. بنابراین آموزش حل مسئله به والدین به

ویژه مادران، به بهبود ناکارآمدی‌های مزمن موجود خانوادگی، تقویت نقش‌های والدگری و نظام خود باوری والد-کودک منتهی می‌شود.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه است، بدین وسیله از حمایت‌های فراوان حوزه معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه که شرایط اجرای این پژوهش را فراهم نموده صمیمانه سپاسگزاریم. همچنین از پژوهشکده علوم شناختی جهت همراهی در این پژوهش کمال تشکر را داریم.

منابع

- حاتمی فرد، سیروس؛ کافی، سید موسی؛ خوش‌روش، وحید. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله و مهارت ابراز وجود والدین بر میزان سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان آنان. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، دوره ۲، شماره ۷، ۶۷-۸۲.
- شکوهی یکتا، محسن؛ اکبری زرخانه، سعید؛ قهوه‌چی، فهیمه. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش حل مسئله، مدیریت خشم بر سبک‌های تربیتی، پرخاشگری و شادکامی مربیان پیش‌دبستانی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*. دوره اول، شماره ۵، ۱-۲۱.
- شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم؛ شهبان، آمنه؛ متولی پور، عباس. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تعامل والد-کودک و بهبود رفتارهای چالش‌برانگیز کودکان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، شماره ۳، ۹-۲۴.
- شکوهی یکتا، محسن؛ دواپی، مهدی؛ زمانی، نیره؛ پورکریمی، جواد؛ شریفی، علی. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش برنامه "من می‌توانم مشکل را حل کنم" بر بهبود توانش‌های حل مسئله و توانش‌های اجتماعی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول. *فصلنامه تازه‌های علوم روان‌شناختی*. شماره ۳، ۷۳-۸۲.

- شکوهی یکتا، محسن؛ زمانی، نیره. (۱۳۹۱). کاربرد آموزش برنامه حل مسئله بین فردی در کاهش رفتارهای مشکل ساز دانش آموزان دیرآموز: مطالعه تک آزمودنی. *مجله روش ها و مدل های روان شناختی*، ۱، ۵۵-۷۱.
- شکوهی یکتا، محسن؛ سالم، صدیقه؛ به پژوه، احمد؛ رستمی، رضا؛ پرند، اکرم. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مهارت حل مسئله بر میزان مهارت های اجتماعی کودکان با اختلال نارسایی توجه/ بیش فعالی. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳، ۳۷-۵۰.
- شکوهی یکتا، محسن؛ شهبان، آمنه؛ پرند، اکرم. (۱۳۹۱). *روان شناسی خانواده*. تهران: انتشارات تیمورزاده.

- Agran, M; Blanchard, C; Wehmeyer, M. L; Hughes, C. (۲۰۰۲). Increasing the problem solving skills of students with developmental disabilities participating in general education. *Remedial and Special Education*, ۲۳, ۲۷۹-۲۸۵.
- Bayazit, I. (۲۰۱۳). An Investigation of Problem Solving Approaches, Strategies, and Models Used by the ۷th and ۸th Grade Students when Solving Real-World Problems. *educational sciences: theory & practice*, ۱۳(۳). ۱۹۲۰-۱۹۲۷.
- Beck, S. R., Williams, C., Cutting, N., Apperly, I.A. & Chappell, J. (۲۰۱۶). Individual differences in children's innovative problem-solving are not predicted by divergent thinking or executive functions, *philosophical transactions. Phil. Trans. R. Soc. B* ۳۷۱: ۲۰۱۵۰۱۹۰. pp ۱-۱۱.
- Beelmann, A. (۲۰۰۴). Promoting social competence in preschool children: Evaluation of a social problem solving training program as a universal measure for preventing antisocial behavior. *Kindheit und Entwicklung*. ۱۳(۲): ۱۱۳-۱۲۱.
- Blanchard-Fields, F. (۲۰۰۷). Problem Solving and Emotion: An Adult Developmental. Perspective, *Current Directions in Psychological Science*, ۱۶(۱), ۲۶-۳۱.
- Bonanno, G.A., Westphal, M., & Mancini, A.D. (۲۰۱۱). Resilience to loss and potential trauma. *Annual*
- Brewer, J.D., & Sparkes, A.C. (۲۰۱۲). *Young people living with parental bereavement: Insight from an ethnographic*.
- Cassidy, T. (۲۰۰۹). Bullying and victimization in school children: the role of social identity, problem-solving style, and family and school context. *Soc Psychol Educ*, ۱۲, ۶۳-۷۶.

- Cassidy, T., Taylor, L. (۲۰۰۵). Coping and psychological distress as a function of the bully victim dichotomy in older children. *Social Psychology of Education*, ۴(۳), ۲۴۹-۲۶۲.
- Celest, M. (۲۰۰۷). Social skills intervention for a child who is blind. *Journal of Visual Impairment & blindness*, ۱۰۰, ۵۲۱-۵۳۲.
- Colman, R. A. (۲۰۰۲). Attachment security and the problem solving behaviors of mothers and children. *Merrill-Palmer Quarterly*. ۴۸(۴): ۳۳۷-۳۵۹.
- Corsano, P; Majorano, M; Champretavy, L. (۲۰۰۶). Psychological well-being in adolescence: the contribution of interpersonal relations and experience of being along. *Adolescence*, ۴۱(۱۶۲), ۳۴۱-۳۵۳.
- Cote, D. (۲۰۱۱). Implementing a Problem-Solving Intervention with Students With Mild to Moderate Disabilities. *Intervention in School and Clinic*, ۵, ۲۵۹-۲۶۵.
- D’Zurilla, T. J; Nezu, A. M. (۲۰۰۷). *Problem-solving therapy: a positive approach to clinical intervention*. (۳rded.). New York: springer.
- Dreer, L E; Elliot, T R; Fletcher, D C; Swanson, M. (۲۰۰۵). Social problem-solving abilities and psychological adjustment of persons in low vision rehabilitation. *Rehabilitation Psychology*, ۵۰(۳), ۲۳۲-۲۳۸.
- Erzkan, A. (۲۰۱۴). Analysis of social problem solving and social self-efficacy in prospective teachers, *Educational Sciences: Theory & Practice* . ۱۴(۲), ۴۴۷-۴۵۵.
- Fiedler, C. R; Danneker, J.E. (۲۰۰۷). Self-advocacy instruction: Bridging the research-to-practice gap. *Focus on Exceptional Children*, ۳۹(۸), ۱-۲۰.
- Fosco, G.M, Feinberg, M.E (۲۰۱۵). Cascading effects of interparental conflict in adolescence: Linking Threat Appraisals, Self-Efficacy and Adjustment, *Development and Psychopathology* ۲۷: ۲۳۹-۲۵۲.
- Friend, M. (۲۰۱۱). *Special education contemporary perspectives for school professionals* (۳rd ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson Education.
- Glago, K.D; Mastropieri, M.A; Scruggs, T.E. (۲۰۰۹). Improving problem solving of elementary students with mild disabilities. *Remedial and Special Education*, ۳۰, ۳۷۲-۳۸۰.
- Glago, K.D; Mastropieri, M.A; Scruggs, T.E. (۲۰۰۹). Improving problem solving of elementary students with mild disabilities. *Remedial and Special Education*, ۳۰, ۳۷۲-۳۸۰.
- Greene, R. W., Ablon, J. S., Gorong, J. C., Raezer-Blakely, L., Markey, J., Monuteaux, M. C., Henin, A, Edwards, G. & Rabbitt, S. (۲۰۰۴). Effectiveness of collaborative problem solving in affectively dysregulated children with oppositional-defiant disorder: initial findings. *Journal of Consult Cli Psychol*. ۷۲(۶): ۱۱۵۷-۱۱۶۴.

- Hendry, L.B; Reid, M. (۲۰۰۰). Social relationships and health: the meaning of social connectedness and how it relates to health concerns for rural Scottish adolescents. *Journal of Adolescence*, ۲۳, ۷۰۵-۷۱۹.
- Johnson, J., L. (۲۰۰۱). Preventing conduct problems and increasing social competence in high-risk preschoolers. Dissertation Abstracts International: Section B: The Science and Engineering. ۶۲(۲-B): pp. ۱۰۸۵. *Journal of Behavioral Development*, ۲۷, ۱۵۳-۱۶۴.
- Kazdin, A. E., Siegel, T. C. & Bass, D. (۱۹۹۲). Cognitive problem solving skills training and parent management training in the treatment of antisocial behavior in children. *Journal of Consulting and Clinical Child Psychology*. ۶۰(۵): ۷۳۳-۷۴۷.
- Kirkley, J. (۲۰۰۳). Principles for Teaching Problem Solving. Indiana University. Web: http://www.plato.com/downloads/papers/paper_۰۴.
- Logsdon, C., D. (۲۰۰۴). Early intervention with aggressive boys: A cognitive behavioral group intervention in a school setting. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences*. ۶۴(۹-A): pp. ۳۸-۸۲.
- Maccoby, E. E. (۱۹۹۲). The role of parents in the socialization of children :An historical overview. *American psychologist*, ۲۸, ۱۰۰۶-۱۰۱۷.
- Mahoney, G., Boyce, G., Spiker, D. & Wheeden, C. A. (۱۹۹۸). The relationship of parent-child interaction to the effectiveness of early intervention services for at-risk children and children with disabilities. *TECSE*. ۱۸(۱): ۵-۷.
- Mccarrick-Dix, P., M. (۲۰۰۰). Violence in the schools. Dissertation Abstracts International Section A: *Humanities and Social Sciences*. ۶۱(۱-A): pp. ۸۴.
- McDowell, D. J. (۲۰۰۳). Differences between mother's and father's advicegiving styles content: relations with social competence and psychological behavior in middle childhood. *Merrill- Palmer Quarterly*. ۴۹(۱): ۵۵-۷۶.
- McDowell, D. J. (۲۰۰۳). Differences between mother's and father's advicegiving styles content: relations with social competence and psychological behavior in middle childhood. *Merrill- Palmer Quarterly*. ۴۹(۱): ۵۵-۷۶.
- McMurrin, M. & McGuire, J. (۲۰۰۵). *Social problem solving and offending: Evidence, evaluation and evolution*. Xviii, New York, NY, US: John Wiley & Sons Ltd.
- Miller, P.H. (۲۰۱۱). *Theories of developmental psychology*. United States of America- New York: Catherine Woods.
- Morales López, Y. (۲۰۱۱). Inputs for the incorporation of the UNESCO guidelines on ICT competency standards for teachers: The training of

- teachers of mathematics in Central America. ICE. *Universidad de Oviedo*. ۳۹(۱), ۳-۱۲.
- Morales López, Y. (۲۰۱۱). Inputs for the incorporation of the UNESCO guidelines on ICT competency standards for teachers: The training of teachers of mathematics in Central America. ICE. *Universidad de Oviedo*. ۳۹(۱), ۳-۱۲.
- Noom, M. J; Dekovic, M; Meeus, H. J. (۱۹۹۹). Autonomy, attachment and psychosocial adjustment during adolescence: a double-edged sword. *Journal of adolescence*, ۲۲, ۷۷۱-۷۸۳.
- Reid, M. J. & Webster-Stratton, C. (۲۰۰۱). The incredible years parent, teacher, and child intervention: Targeting multiple areas of risk for a young child with pervasive conduct problem using a flexible, manualized treatment program. *Cognitive and Behavioral Practice*. ۸(۴): ۳۷۷-۳۸۶.
- Riesch, S. K., Jackson, N. M. & Chanchong, W. (۲۰۰۳). Communication approaches to parent- child conflict: young adolescence to young adult. *Journal of Pediatric Nursing*. ۱۸(۴): ۲۲۴-۲۵۶.
- Riley, p. (۲۰۱۱). *Attachment theory and the teacher-student relationship*. New York: Routledge publication.
- Ruffolo, M. C., Kuhn, M. T. & Evans, M. E. (۲۰۰۵). Support, empowerment, and education: a study of multiple family group psychoeducation. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, ۱۳(۴), ۲۰۰-۲۰۸.
- Scott, S. (۲۰۰۵). Parent training. *Psychiatry*, ۴(۹), ۱۲۶-۱۲۸.
- Shure, M. B; Healey, K. N. (۱۹۹۳). *Interpersonal problem solving and prevention in urban fifth and sixth-grader*. Paper presented at the American Psychological Association.
- Siu, A. H; Shek, D. L. (۲۰۰۵). The Chinese version of the social problem-solving inventory: Some initial results on reliability and validity. *Journal of Clinical Psychology*, ۶۱(۳), ۳۴۷-۳۶۰.
- Smetana, J. G., & Rote, W. M. (۲۰۱۵). What do mothers want to know about teens' activities? Levels, trajectories, and correlates. *Journal of Adolescence*, ۳۸, ۵-۱۵.
- Wehmeyer, M. L., Gragoudas, S., & Shogren, K. (۲۰۰۶). Self-determination, student involvement, and leadership development. In P. Wehman (Ed.), *Life beyond the classroom transition strategies for young people with disabilities* (pp. ۴۱-۶۹). Baltimore, MD: Paul H. Brookes Publishing Co.
- Whitly, K. J. (۲۰۰۷). Social goals: relationship to adolescent adjustment and to social problem solving. *Journal of Abnormal Child Psychology*, ۳۵(۲), ۱۳۵-۱۵۱.

- Wiley, J; Jarosz, A. F. (۲۰۱۲). Working memory capacity, intentional focus, and problem solving. *Current Directions in Psychological Science*, ۲۱(۴), ۲۵۸-۲۶۲.
- Wiley, J; Jarosz, A. F. (۲۰۱۲). Working memory capacity, intentional focus, and problem solving. *Current Directions in Psychological Science*, ۲۱(۴), ۲۵۸-۲۶۲.
- Wymbs, BT., Pelham, WE. (۲۰۱۰). Child Effects on Communication between Parents of Youth with and without ADHD. *J Abnorm Psychol*, ۱۱۹(۲), ۳۶۶-۳۷۵.
- Yeh, Y.C; Tsai, J.L; Hsu, W.C; Lin, C. F. (۲۰۱۴). A model of how working memory capacity influences insight problem solving in situations with multiple visual representations: An eye tracking analysis. *Thinking Skills and Creativity*, ۱۳, ۱۵۳-۱۶۷.